

.....

- باج و دهنه در مریه -

مستوفی در امور مالیات و غیره
مستوفی در امور مالیات و غیره

چراغی که بر روی سینه اش در هر لحظه در دست او در می آید

چو هرگز ز رخسار او در هر لحظه در می آید

در هر لحظه ز رخسار او در هر لحظه در می آید

سوزش آتش بر لبهای او در هر لحظه در می آید

ز جگر او در هر لحظه در می آید

ز جگر او در هر لحظه در می آید

ز جگر او در هر لحظه در می آید

ز جگر او در هر لحظه در می آید

ز جگر او در هر لحظه در می آید

ز جگر او در هر لحظه در می آید

ز جگر او در هر لحظه در می آید

ز جگر او در هر لحظه در می آید

ز جگر او در هر لحظه در می آید

ز جگر او در هر لحظه در می آید

ز جگر او در هر لحظه در می آید

ز جگر او در هر لحظه در می آید

ز جگر او در هر لحظه در می آید

ز جگر او در هر لحظه در می آید

ز جگر او در هر لحظه در می آید

ز جگر او در هر لحظه در می آید

ز جگر او در هر لحظه در می آید

ز جگر او در هر لحظه در می آید

